خبر

شهید طوماری برای تیراندازی به دنیا آمده بود

دبیر هیات تیراندازی زنجان درباره شهادت «حمید طوماری» سخن گفت.

روح‌الله رجبی درباره پاسدار شهید حمید طوماری از ورزشکاران تیراندازی، عنوان کرد: حمید و سعید طوماری ۲ برادر رشته تفنگ بودند. سعید به‌صورت حرفه‌ای تیراندازی می‌کرد اما حمید در مناسبت‌ها.

دبیر هیات تیراندازی زنجان افزود: حمید از تیراندازان خوب ما بود. با پهپاد رژیم صهیونیستی چند نفر شهید شدند که حمید هم در بین آنها بود.

رجبی با اشاره به خصوصیات حمید طوماری گفت: هر ۲ برادر آرام و ساکت بودند و گویی برای رشته تیراندازی زاییده شده بودند. حمید بسیار محجوب بود و وقتی خبر شهادتش را اعلام کردند، شوکه شدیم.

یادداشت

لیورپول با ویرتس تاریخ لیگ برتر را نوشت

بمب بزرگ آنفیلد

طناز مقدم

نقل‌وانتقالی که تصور می‌شد فقط یک شایعه تابستانی باشد، حالا به مهم‌ترین تیتر فوتبال اروپا در آغاز پنجره تابستانی تبدیل شده است. فلورین ویرتس، ستاره ۲۲ ساله آلمانی بایرلورکوزن، با قراردادی که در مجموع به ۱۳۷.۵ میلیون یورو می‌رسد، در آستانه پیوستن به لیورپول قرار دارد؛ انتقالی که حالا گران‌ترین خرید تاریخ لیگ برتر انگلیس محسوب می‌شود.

به گزارش نشریه اتلتیک، توافق میان ۲ باشگاه حاصل شده و تنها امضای قرارداد باقی مانده. لیورپول برای جذب ویرتس، ۱۱۷.۵ میلیون یورو (معادل ۱۰۰ میلیون پوند) پرداخت خواهد کرد و مابقی مبلغ به صورت پاداش‌های متغیر و مشروط (۱۸.۸ میلیون یورو) در صورت تحقق اهدافی خاص به لورکوزن پرداخت می‌شود. با این رقم، ویرتس از مویسس کایسدو، هافبک اکوادوری چلسی که تابستان گذشته با رقم ۱۳۳ میلیون یورو از برایتون به استمفوردبریج رفت، سبقت گرفت و حالا در صدر فهرست خریدهای گران تاریخ لیگ برتر ایستاده است.

■ مأموریت خاص اشلوت

منابع نزدیک به باشگاه لیورپول تأیید کردند این انتقال بنا به درخواست مستقیم آرنه اشلوت، سرمربی هلندی و جانشین یورگن کلوپ، پیگیری شده و باشگاه انگلیسی حاضر شده سقف نقل‌وانتقالات خود را جابه‌جا کند تا این بازیکن خاص به ترکیب «لیور» اضافه شود. اشلوت از مدت‌ها پیش به سبک بازی ویرتس علاقه‌مند بود و در جلسات اولیه‌اش با مدیران باشگاه تاکید کرده بود که «شماره ۱۰» ایده‌آل خود را می‌شناسد. این در حالی است که فلورین ویرتس تا تابستان ۲۰۲۷ با لورکوزن قرارداد داشت و باشگاه آلمانی نیز قصدی برای فروش او نداشت، مگر با دریافت مبلغی فراتر از ۱۵۰ میلیون یورو. با وجود این، مذاکرات هوشمندانه لیورپول باعث شد توافق با رقمی پایین‌تر اما مشروط به تحقق پاداش‌های خاص نهایی شود.

■ عقب‌نشینی مونیخ، پشیمانی مادرید

فلورین ویرتس همان بازیکنی است که بسیاری او را نسخه مدرن «اوزیل» می‌دانند، با این تفاوت که برخلاف اوزیل، در کار دفاعی هم مشارکت می‌کند و بازیکنی چندمنظوره در زمین به شمار می‌رود. همین ویژگی‌ها باعث شده بود بایرن مونیخ و رئال مادرید نیز او را زیر نظر بگیرند. طبق گزارش رسانه‌های آلمانی، در ماه‌های گذشته فلورین به اطرافیانش گفته بود اگر قرار باشد از لورکوزن جدا شود، مقصدش تنها «بایرن» خواهد بود اما مونیخ به دلیل قیمت درخواستی لورکوزن و همچنین بن‌بست در برنامه‌ریزی نقل‌وانتقالاتی خود، از این رقابت کنار کشید. رئال مادرید نیز پس از جذب کیلیان امباپه و تمدید قرارداد وینیسیوس و رودریگو، جذب یک هافبک هجومی دیگر را به تابستان ۲۰۲۶ موکول کرد. بدین ترتیب، لیور بدون رقیب جدی، گران‌ترین ستاره آینده فوتبال آلمان را شکار کرد.

■ کارنامه‌ای سنگین در جوانی

درباره کیفیت فنی ویرتس، آمار خودش سخن می‌گوید. ستاره سابق لورکوزن، فصل گذشته با ۱۶ گل و ۱۵ پاس گل در ۴۵ مسابقه، نقش تعیین‌کننده‌ای در کسب نایب‌قهرمانی تیمش در بوندس‌لیگا داشت. اما اگر بخواهیم نقطه اوج او را مثال بزنیم، باید به فصل ۲۴-۲۰۲۳ اشاره کنیم؛ زمانی که لورکوزن با هدایت ژابی آلونسو نه‌تنها قهرمان بوندس‌لیگا و جام حذفی شد، بلکه بدون شکست تمام فصل را به پایان رساند. در آن فصل، ویرتس با ۱۸ گل و ۲۰ پاس گل در ۴۹ بازی، بدون تردید MVP بوندس‌لیگا بود و در کنار ستاره‌هایی چون گرانیت ژاکا، جرمی فریمپنگ و ویکتور بونیفیس، تیم آلونسو را به نایب‌قهرمانی لیگ اروپا هم رساند.

■ بازی‌سازی مدرن با شماره ۱۰ سنتی

ویرتس در ترکیب ۱-۳-۲-۴ یا حتی ۳-۳-۴ لیورپول، می‌تواند هم پشت مهاجم و هم در نقش هافبک تهاجمی سمت چپ بازی کند. او نه‌تنها در حمله خلاق است، بلکه در کارهای دفاعی، پرس از جلو و حفظ توپ نیز عملکردی بسیار مطمئن دارد. برخلاف بسیاری از بازیکنان نسل جدید، ویرتس فوتبالیست «سیستم‌پذیری» است و همین خصوصیت، یکی از دلایل علاقه اشلوت به جذب او محسوب می‌شود. در کنار بازیکنانی چون مک‌آلیستر، دومینک سوبوسلای و کورتیس جونز، حضور ویرتس می‌تواند خط میانی لیورپول را متحول و قدرتمندتر کند.

■ پیام روشن؛ لیور برگشته

بعد از جدایی کلوپ و خداحافظی آرام اسطوره آلمانی با آنفیلد، هواداران لیورپول در انتظار یک «علامت» از باشگاه بودند؛ علامتی که نشان دهد دوران جدید صرفاً دوران گذار نیست، بلکه آغاز پروژه‌ای جدی است. جذب گران‌ترین بازیکن تاریخ لیگ برتر، آن هم در آغاز تابستان، می‌تواند این پیام را به همه برساند که لیورپول همچنان می‌خواهد در صف اول فوتبال اروپا باقی بماند. انتقال ویرتس به زودی به صورت رسمی اعلام خواهد شد؛ انتقالی که نه‌تنها فوتبال آلمان را از یکی از پدیده‌های نسل جدیدش محروم می‌کند، بلکه آتش بازار نقل‌وانتقالات تابستانی را هم از همین حالا روشن کرده.

وقتی والیبال دیگر فقط ورزش نبود، بلکه تریبون یک ملت شد

سلام فرمانده

بهراد رشوند

درباره بعضی صحنه‌ها، هیچ خبرنگاری نمی‌تواند چیزی بنویسد. فقط باید نگاه کرد، بغض کرد و افتخار را احساس کرد. مثل روزی که تیم ملی والیبال ایران، پیش از نخستین سرویس، ایستاد؛ نه فقط در زمین، بلکه در تاریخ.

در روزهایی که دود و آتش از خاکریز دشمن به آسمان می‌پیچد و چشم‌ها پر از التهاب است، قهرمانانی با پیراهن تیم ملی، آرام و بی‌صدا کاری کردند که میلیون‌ها نفر را به احترام واداشتند. نه با برد، نه با تکنیک، بلکه با همان چیزی که سال‌هاست در لحظه‌های سخت از این مردم دیده‌ایم: غیرت بی‌منت.

پیش از آغاز بازی با اسلوونی، یکی از قدرترین تیم‌های والیبال دنیا، بازیکنان تیم ملی ایران هنگام پخش سرود ملی، به نشانه احترام، سلام نظامی دادند. شاید برای خیلی‌ها این یک حرکت ساده به نظر برسد اما برای مردم ما، این تصویر از ۱۰۰۰ مقاله و سخنرانی، رساتر است.

سلامی که به اندازه یک عملیات، در قلب ملت اثر گذاشت.

آنقدر که دیگر کسی دنبال نتیجه بازی نبود. همه چشم‌ها به آن لحظه دوخته شده بود؛ جایی که قهرمانان با دست کشیده شده بر پیشانی، گفتند: «ما کنار مردم هستیم».

در دل این صحنه، یک پیام واضح وجود داشت: این زمین، خانه ما است. چه تور والیبال باشد، چه خاک خرمشهر. مهم نیست توپ از کدام سمت می‌آید، مهم این است که ما این‌طرف تور ایستاده‌ایم؛ با غرور، با تعصب، با نام ایران.

اما این پایان ماجرا نبود. نسل بعد هم به میدان آمد. بازیکنان تیم ملی نوجوانان والیبال ایران، پیش از بازی آسیایی‌شان، همین صحنه را تکرار کردند؛ ایستادند، لبخند نزدند، سلام نظامی دادند. به همان شکلی که باید. به همان دلی که باید. گویی قبل از آموزش پاس و اسپک، به آنها یاد داده‌اند «میهن کجاست» و «وقتی نام وطن را شنیدی، باید بایستی!»

بردیا سعادت، از ستاره‌های تیم ملی والیبال بزرگسالان، بعد از بازی گفت: «ما فقط والیبال بازی نکردیم. ما انجام وظیفه کردیم. مثل یک رزمنده بی‌اسلحه، ایستادیم تا بگوییم دل‌مان با وطن است».

در روزگاری که برخی با تردید و تفرقه، به جان هم افتاده‌اند، ورزشکاران ایرانی بی‌سروصدا جواب دادند. نه با کنفرانس، نه با مصاحبه، بلکه با یک سکوتِ پرمعنا. این نسل بلد است چه زمانی باید حرف نزند اما بلندترین حرف را بزند.

والیبال ایران، این‌بار چیزی فراتر از امتیاز و جدول رده‌بندی به ما داد. این‌بار والیبال، آینه‌ای شد برای انعکاس چیزی که همیشه در دل این ملت بوده: وفاداری، تعهد، عشق بی‌قید به خاک.

و شاید این مهم‌ترین برد والیبال ایران در سال‌های اخیر باشد. بردی که عدد ندارد اما اثر دارد؛ نه در آمار، در قلب‌ها.

وقتی به آن تصویر دوباره نگاه می‌کنی، متوجه می‌شوی بعضی وقت‌ها یک حرکت، یک سلام، می‌تواند از یک ارتش حرف بزند. چون وقتی مردم احساس کنند قهرمانان‌شان شبیه خودشان هستند، دیگر تنها نمی‌مانند.

آن روز، بازیکنان تیم ملی نگذاشتند ایران تنها بماند. نگذاشتند زمین، فقط زمین باشد. آنها نشان دادند بعضی تورها، عبورپذیر نیستند اما بعضی سلام‌ها، از هر مرزی عبور می‌کنند.

و این یعنی والیبال هم می‌تواند جبهه باشد؛ وقتی نام ایران وسط است.

هوادار برزیلی با چند خط روی یک دستمال، سنگینی جنگ را از شانه سرمربی ایران برداشت

پیامی که قلب پیاتزا را آرام کرد

در شبی که تیم ملی والیبال ایران مهیای نبردی دیگر در لیگ ملت‌ها می‌شد، اتفاقی تکان‌دهنده، همه‌چیز را در سالن ماراکانازینیو به‌هم ریخت؛ نه برای امتیاز، نه برای تاکتیک، بلکه برای انسانیت. روبرتو پیاتزا، مرد ۵۷ ساله‌ای که هدایت ایران را در دست دارد، پیش از دیدار با اوکراین، کاغذی کوچک دریافت کرد: نوشته‌ای با دست‌خطی ساده از یک هوادار برزیلی که روی دستمال کاغذی نوشته بود: «ما برای صلح دعا می‌کنیم. خدا شما را حفظ کند. برزیل در کنار ایران است». دست‌هایی که آن پیام را نوشتند شاید اهل والیبال نبودند اما به وقت سختی، بهتر از هر بازیکنی توپ را روی زمین انسانیت خواباندند. پیاتزا که روزهای دشواری را کنار شاگردانش پشت سر گذاشته، در مصاحبه‌ای با رسانه‌های محلی نتوانست بغضش را پنهان کند. چشمانی اشک‌آلود، دستی روی قلب و اشاره‌ای به آسمان. سرمربی ایران در این وانفسای بحران، شاید برای نخستین بار نه از ترکیب گفت، نه از آنالیز، بلکه از درد گفت؛ دردی که با یک نوشته کوچک کمی تسکین یافت. او گفت: «بازیکنان من با خانواده‌های‌شان در تماس هستند، بعضی‌ها نزدیک محل‌های انفجار زندگی می‌کنند. ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم... فقط دعا». پیاتزا برای بازیکنانش از تیم ملی اوکراین گفت: رقیب امشب‌شان. آنها هم سال‌هاست درگیر جنگند. شاید این مقایسه تلخ، راهی برای حفظ تمرکز در اردوی تیم ملی ایران باشد. با این حال، محبت مردم برزیل روزنه‌ای از امید به دل این تیم گشود: «در برزیل هستیم، اما حمایت مردم اینجا واقعا فوق‌العاده است. این پیام برایم خیلی ارزشمند بود». در پایان، پیاتزا جمله‌ای گفت که شاید فریاد خاموش بسیاری از ایرانی‌ها هم باشد: «برخی فکر می‌کردند اوضاع زود آرام می‌شود اما حالا همه می‌دانند... آمریکا نه‌تنها با ایران، بلکه با اوکراین هم مخالف است. چه کسی می‌خواهد جهان این‌گونه اداره شود؟».

جامعه ورزش به احترام قهرمانان میدان نبرد ایستاد

شمشیر غرور ایران بر فرق دژخیمان

در روزهایی که آسمان منطقه بار دیگر از آتش وحوش صهیونیست تیره شده و خاک وطن بوی خون و بغض گرفته، صدای رعدآسای پاسخ ایران، خواب از چشم متجاوزان ربوده. همان‌هایی که گمان برده بودند پشت دیوارهای آهنین پنهان مانده‌اند، با شلیک دقیق و کوبنده فرزندان این سرزمین از رؤیای برتری بیدار شدند.

در چنین لحظاتی، جامعه ورزش ایران که خود سال‌هاست در میدان‌هایی دیگر برای پرچم می‌جنگد، شانه به شانه مدافعان وطن ایستاد. وزارت ورزش و جوانان و سازمان بسیج ورزشکاران، در بیانیه‌ای، زبان تشکر شدند از دل‌هایی که برای عزت ایران تپید، دست‌هایی که ماشه را نه از خشم، بلکه برای عدالت فشرد و گام‌هایی که در مسیر کرامت و اقتدار برداشته شد.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در پاسخی کوبنده و مشروع، قلب تأسیسات نظامی رژیم اشغالگر را نشانه رفت؛ حمله‌ای که نه‌فقط تلافی جنایت بود، بلکه نمایش اقتدار ملتی بود که نه ظلم را می‌پذیرد، نه در برابر آن سکوت می‌کند.

در بیانیه جامعه ورزش آمده است: «در روزهایی که مادران داغدار و کودکان، قربانی طمع دیرینه صهیونیست‌ها شدند، این نیروهای شجاع ما بودند که مرز میان شرف و جنایت را با صلابت خود ترسیم کردند».

این پیام، نشانی بود از همدلی؛ از سالن‌های تمرین تا سنگرهای نبرد، از میدان‌های مسابقه تا شهرهای موشکی، همه یکصدا، پشت سر وطن ایستاده‌اند. ورزشکاران ایرانی، همان‌هایی که پرچم مقدس‌مان را بر قله‌های افتخار برافراشته‌اند، این بار با دل و زبان در میدان دیگری حضور یافتند؛ میدانی که رنگش خون است و بویش غیرت.

به امید روزی که صلح از دل قدرت بجوشد، نه از ترس و این سرزمین، با وحدت مردمانش، همواره سرفراز بماند.

خارجی‌های پرسپولیس همه از سوپرلیگ ترکیه خواهند آمد

سرخ‌ها استانبولی می‌زنند

علی دارابی

پرسپولیس در بازار تابستانه ۱۴۰۴ بیشتر از هر چیز به یک تیم اروپای شرقی شباهت دارد؛ تیمی که اگر نشان و رنگ پیراهنش را بردارید، بعید نیست کسی آن را با یکی از باشگاه‌های میانه جدولی سوپرلیگ ترکیه اشتباه بگیرد. این اتفاق البته بی‌دلیل نیست؛ مربی‌ای روی نیمکت سرخ‌ها نشسته که ریشه‌اش در فوتبال ترکیه است و انگار حتی در خواب هم نمی‌تواند از آن لیگ دل بکند.

اسماعیل کارتال برخلاف بیشتر مربیان خارجی شاغل در ایران، دنبال تجربه‌گرایی و ماجراجویی در فوتبال نیست. او به وضوح در منطقه امن خود مانده و هر بار سراغ بازیکنی می‌رود، ردپایی از فوتبال ترکیه پشت آن دیده می‌شود. از سردار دورسون فصل قبل گرفته تا تیوی بیفوماى تابستان ۱۴۰۴ و حالا، هلیتون و بن‌ناصر.

در حالی که نام‌های ایرانی چون پیام نیازمند، رضا شکاری، محمدحسین صادقی، محمدامین کاظمیان، مجتبی فخریان و بازماندگان قابل اتکایی چون میلاد سرلک، پورعلی گنجی، کنعانی‌زادگان، وحید امیری، خدابنده‌لو و امید عالیشاه در لیست نهایی دیده می‌شوند، پروژه جذب لژیونرها و خارجی‌ها در پرسپولیس ابعادی فراتر از حد معمول گرفته است.

سرخ‌پوشان فعلاً چند جای خالی برای جذب بازیکنان خارجی دارند. سردار دورسون، بیفوما، ارونوف و گندوز تا اینجای کار در لیست مانده‌اند و باقی سهمیه‌ها در دستان کارتال است؛ سرمربی‌ای که می‌خواهد پازل فنی تیمش را نه با قطعات تازه و هیجان‌انگیز، بلکه با آجرهای آشنا و آزموده پر کند.

■ توسون لجوج، هلیتون ۱۹۵ سانتی و ماجرای هافبک مراکشی

نخستین هدف بزرگ در خط حمله، کسی نیست جز جنک توسون. مهاجمی که ۲ فصل قبل زیر نظر کارتال در فنرباغچه کار کرد و حالا، ظاهراً در آخرین سال‌های فوتبالش، قرار است برای دومین بار خاک ایران را تجربه کند؛ البته اگر مذاکره‌ها به نتیجه برسد. از آن‌سو، کارتال از جناح راست به هادرجونای چشم دوخته بود، مدافعی سوئیسی-کوزوویی که مذاکرات با او فعلاً به بن‌بست خورده. نامش هنوز از روی میز کنار نرفته اما ظاهراً سرمربی ترکیه‌ای به جای قمار کردن، دنبال گزینه‌های مطمئن‌تری است.

در همین راستا، توجه کارتال به قلب خط دفاع جلب شده؛ جایی که کنعانی‌زادگان و پورعلی‌گنجی حضور دارند اما به وضوح، او به دنبال ترکیبی جدید و جسورتر است. هدف؟ «هلیتون» مدافع ۱۹۵ سانتیمتری برزیلی باشگاه گزتپه. بازیکنی چپ‌پا، بلندقامت و صاحب تجربه‌ای قابل اعتنا در ترکیه. هلیتون فصل گذشته ۴۰ بازی انجام داد، یک گل زد، دو پاس گل داد و حالا با پایان قراردادش، در مسیر خروج از گزتپه است. از ترکیه تا تهران، فقط چند جلسه مذاکره باقی مانده؛ مذاکراتی که گفته می‌شود با سرعت و دقت در حال انجام است.

اما شاید مهم‌ترین نقطه‌ای که پرسپولیس باید به آن فکر کند، خط میانی است. جایی که رفتن مسعود ریگی، دست کارتال را خالی‌تر از همیشه کرده. برای این پست، گزینه‌ای عجیب و البته وسوسه‌انگیز مطرح شده: یوسف آیت بن‌ناصر. هافبکی ۲۸ ساله، متولد فرانسه با تابعیت مراکشی که روزگاری در لباس موناکو برای قهرمانی در لوشامپیونه تلاش می‌کرد و حالا در سامسون‌اسپور ترکیه بازی می‌کند. او هم، مثل هلیتون، به پایان قراردادش رسیده و فعلاً به پیشنهاد پرسپولیس پاسخ قطعی نداده است. با این حال، منابع نزدیک به باشگاه می‌گویند کارتال از سبک بازی او خوشش آمده و برای جذبش فشار زیادی به مدیران وارد کرده.

■ چرا ترکیه؟ چرا همیشه ترکیه؟

پرسپولیس در این پنجره تا اینجا فعال‌ترین تیم ایران بوده اما آنچه باعث شده نگاه‌ها بیش از همیشه روی نقل‌وانتقالات این تیم زوم شود، الگوی تکراری انتخاب‌هاست. بیفوما، توسون، هادرجونای، هلیتون، بن‌ناصر... همگی یا در سوپرلیگ ترکیه بازی کرده‌اند یا هنوز در آن حضور دارند. این انتخاب‌ها، ربط مستقیمی به گذشته کارتال دارد. مردی که بیش از ۲ دهه در فوتبال ترکیه زیسته، مربیگری کرده، ستاره کشف کرده و افتخار ساخته. طبیعی است دایره اعتمادش، فراتر از آن مرز نرود.

اما این مدل بازسازی، تبعاتی هم دارد. پرسپولیس با این الگو شاید تیمی منظم، فیزیکی و با شناخت تاکتیکی بالا داشته باشد اما آیا بازیکنان ترک‌تبار یا شاغل در ترکیه می‌توانند در لیگ پرفشار ایران، در شهر پرتنش تهران و با آنچه که هوادار پرسپولیس از تیمش می‌خواهد، هماهنگ شوند؟

این شاید بزرگ‌ترین چالش اسماعیل کارتال در نیم‌فصل اول باشد. آیا بازیکنانی که با ذهنیت و سبک فوتبال ترکیه رشد کرده‌اند، می‌توانند در فضایی متفاوت، فرهنگ فوتبالی جدیدی را بپذیرند؟ یا مثل بعضی خارجی‌های قبلی، خیلی زود با چمدانی نیمه‌بسته آماده رفتن می‌شوند؟

■ کارتال، همچنان با چشمی به شرق و دلی در غرب!

بازار تابستانه پرسپولیس به نیمه رسیده اما پروژه ترکیه‌ای شدن تیم هنوز تمام نشده است. این تیم هرچه بیشتر پیش می‌رود، بیشتر به کارتال شبیه می‌شود. تیمی که شاید کم‌تر ایرانی به نظر برسد اما در ذهن سرمربی‌اش چیزی نیست جز تلفیقی از تجربه، نظم و آشنایی.

سؤال مهم این است: وقتی فصل آغاز شود و توپ در میدان به چرخش درآید، آیا این تیم می‌تواند همان‌قدر که در جذب مهره‌ها موفق بوده، در کسب نتیجه هم بدرخشد؟ یا در نهایت، سرنوشتش شبیه تیم‌هایی می‌شود که زیاد خریدند اما کم بردند؟

پاسخ این سؤال، نه در اتاق مذاکره با بن‌ناصر و هلیتون، که در ورزشگاه آزادی پیدا خواهد شد. جایی که هوادار فقط یک چیز می‌خواهد: قهرمانی.

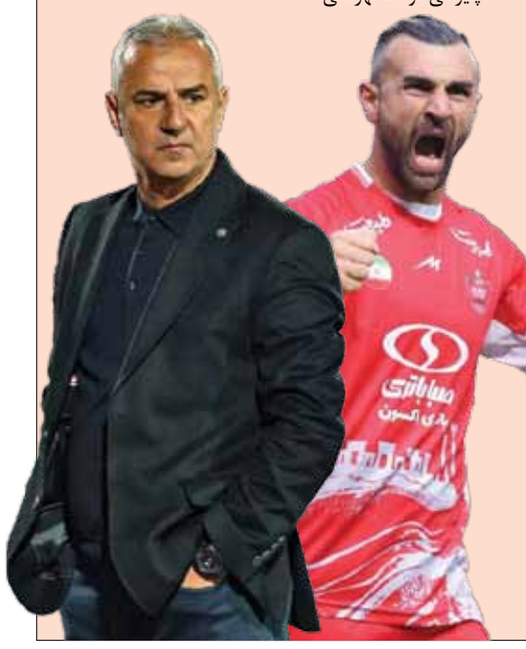

التماس خواهید کرد!

دیدگاه

ادامه از صفحه اول

آتش‌بس هم جریان جالبی داشت. ۲ هفته پس از پایان جنگ، روزی آقای جاسم بن‌حمد، نماینده قطر در سازمان ملل که در واقع نماینده کشورهای عرب هم بود، به ملاقات من آمد و روند پذیرش آتش‌بس از سوی آمریکا و اسرائیل را برایم نقل کرد. وی گفت: «تا ۲ هفته پس از آغاز جنگ تموز، دولت‌های عرب غالباً سکوت اختیار کرده و حتی در دل خود خواهان پیروزی اسرائیل و نابودی حزب‌الله بودند اما وقتی مردم به خیابان‌ها ریختند و به حمایت از حزب‌الله، شعارهای اعتراضی دادند، ترسیدند، لذا رو آوردند به مطرح کردن آتش‌بس. من به نمایندگی از آنها برای ملاقات با جان بولتون نماینده آمریکا در سازمان ملل رفتم. وقتی وارد شدم هنوز سلام نکرده، بولتون با تکبر گفت می‌دانم برای چه آمده‌ای؛ برای آتش‌بس اما آتش‌بس بی‌آتش‌بس! تا وقتی آخرین نفر از عناصر حزب‌الله نابود نشده، اسم آتش‌بس را هم نیاور. با این برخورد او مساله مسکوت ماند. تا اینکه یک روز قبل از پایان جنگ، شب‌هنگام، وقتی در محل استراحتم بودم، دیدم در اتاق را می‌زنند؛ گفتند سفیر اسرائیل کار ضروری دارد. به او گفتم چه می‌خواهی؟ گفت آتش‌بس! گفتم شوخی می‌کنی یا جدی می‌گویی؟ گفت جدی؛ همین حالا دولت اسرائیل از من خواسته آتش‌بس را دنبال کنم. گفتم بسیار خب! فردا صبح مساله را دنبال می‌کنم. گفت همین امشب باید کار تمام شود! گفتم ما که نمی‌توانیم در این باره به تنهایی تصمیم بگیریم. اصل کار آمریکاست که باید ببینیم آن چه می‌گوید. گفت همین الان بولتون در کریدور سازمان ملل منتظر شماست. پایین رفتم و دیدم آشفته در حال قدم زدن است. وقتی مرا دید صدا زد آقای بن‌حمد! همین الان باید برای آتش‌بس جلسه بگیریم! گفتم حالا چرا؟ فردا صبح. گفت همین امشب باید آتش‌بس تصویب شود. گفتم آقای بولتون! من ۲ هفته پیش نزد شما آمدم. شما نگذاشتید من حتی طرح موضوع کنم، حالا چه شده که اینقدر برای آتش‌بس مصمم شده‌اید؟! با حالتی تند و عصبی گفت آن موقع یک شرایطی بود و حالا شرایطی دیگر!»

به دنبال آن، جلسه برگزار و آتش‌بس برقرار شد. بن‌حمد می‌گفت: «این مقاومت شما حزب‌الله بود که رعب را در دل آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها انداخت». من به او پاسخ دادم: «این خدا بود که رعب و وحشت را در دل آنها انداخت!»

یوسی ملمن، کارشناس امنیتی - نظامی اسرائیل پس از حملات شامگاه شنبه ایران به اسرائیل نوشت: «این سرخوشی زیاد طول نکشید. تا صبح جمعه، از خودم می‌پرسیدم: آیا این جنگ [اسرائیل]، بویژه علیه ایرانی‌ها، ضروری بود؟ شیعیان از نظر تاریخی آماده تحمل رنج هستند. من به آنها [مسئولان اسرائیلی] تمایل‌شان به فداکاری را یادآوری کردم، همان‌طور که در ۸ سال جنگ فرسایشی با عراق نشان دادند.

من به مسؤولان توصیه می‌کنم تلفات را به حداقل برسانند و از ترامپ بخواهند از طریق یک توافق معقول، این دیوانگی را متوقف کند. در غیر این صورت، در نهایت خودمان را در حال التماس برای آتش‌بس خواهیم یافت و ایران امتناع خواهدکرد».

بزودی خواهیم دید همه آنان به جمهوری اسلامی التماس خواهند کرد!